

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی: شهر کرمان)

مهدی امیرکافی^۱ * بهنام زارع^۲

چکیده

شادکامی یکی از مهم‌ترین هیجان‌های مثبت و احساسات خوشایند است که سلامت جسمی و روانی اعضای جامعه را متأثر می‌سازد. این مقاله ضمن توصیف شادکامی، عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا، با رویکردی جامعه‌شناختی، رابطه سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهومی (سازه‌ای) چند بعدی با شادکامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحقیق از نوع پیمایشی است که در آن با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با ۳۸۴ نفر از افراد بالای هجده سال، ساکن در مناطق مسکونی شهر کرمان مصاحبه شده است که از بین آنها، اطلاعات ۳۷۶ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای شبکه اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی (عضویت انجمنی)، حمایت اجتماعی، اعتماد نهادی و احساس تعلق (دلبستگی اجتماعی)، اثرات معنی‌داری بر شادکامی دارند. در مجموع نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که اشکال سرمایه اجتماعی (ساختاری و شناختی) ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: شادکامی، بهزیستی (خوشبختی) ذهنی، سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی و اعتماد نهادی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال دوم • شماره پنجم • زمستان ۱۳۹۱ • صص ۴۱-۷۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۵/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۷/۱۷

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، نویسنده مسئول (mamirkafi@uk.ac.ir).
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (b.zare10@yahoo.com).

مقدمه

شادکامی چیست؟ چه چیزی یک زندگی خوب را شکل می‌دهد؟ به چه چیزی نیاز داریم تا شاد بمانیم؟ فیلسوفان بیش از دو هزار سال درباره این مسائل به تفکر پرداخته‌اند. از سقراط و ارسطو تا تجربه‌گرایان و مدافعان فایده‌گرایی در انگلستان و پس از آن مکتب فرانکفورت (مارکوزه و...) و به‌طور کلی همه نویسندگانی که به تاریخ فلسفه پرداخته‌اند، در مورد ماهیت شادکامی تحقیق کرده و راهبردهای لازم برای رسیدن به آن را مورد بررسی قرار داده‌اند (Galati et al., 2006: 603).

شادکامی یکی از مهم‌ترین هیجان‌های مثبت و احساسات خوشایند است که سلامت جسمی و روانی اعضای جامعه را متأثر می‌سازد. شادکامی در مقابل هیجانات منفی نظیر خشم، اضطراب، افسردگی و... قرار دارد و همواره با خشنودی، خوش‌بینی و امید همراه است. افراد شاد غالباً مهارت خود را به شکل مطلوب ارزیابی می‌کنند و رویدادهای مثبت را بیش از منفی به یاد می‌آورند. این افراد در مورد آینده خوش‌بین هستند، فقط امور خوب را از گذشته به یاد می‌آورند و در مورد دیگران نظر مثبت دارند. در واقع می‌توان گفت که افراد شاد برعکس افراد افسرده هستند، افراد افسرده بدبین هستند و به جنبه‌های منفی امور نظر دارند و خاطرات ناشاد را به یاد می‌آورند (آرگایل، ۱۳۸۶؛ کار، ۱۳۸۷).

به اعتقاد سلیگمن (۱۳۸۸؛ ۱۳۸۹) افراد بدبین، شکست‌ها را مشکل خود می‌دانند و به راحتی دچار افسردگی می‌شوند، از ظرفیت‌های خود غافل می‌مانند و از نظر جسمی زود بیمار می‌شوند. افراد بدبین هنگام بروز مشکلات، منفعل می‌شوند و گام‌های کمتری جهت حمایت اجتماعی و حفظ روابط اجتماعی برمی‌دارند. بنابراین می‌توان باور کرد که سبک‌های توصیفی خوشبینانه برای سلامتی مفیدتر هستند.

در مجموع نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که افراد شاد و خوش‌بین عمر طولانی‌تری دارند، از سلامت بهتری برخوردارند و در مقایسه با افراد بدبین کمتر دچار استرس و

افسردگی می‌شوند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۰). نتایج پیمایش جامع ونهون نشان داد که افراد نسبتاً شاد در کشورهای مختلف ۷ تا ۱۰ سال بیشتر از کسانی که خود را ناشاد می‌دانند، زندگی می‌کنند (Bjornskov, 2008).

هایبرون^۱ (۲۰۰۳) فیلسوف آمریکایی در مورد اهمیت شادمانی در زندگی معتقد است: هنگامی که درباره تصمیمات مهم زندگی تأمل می‌کنیم، اغلب به جنبه‌های مثبت و منفی آن، به ویژه تأثیری که بر شادکامی و خوشبختی ما خواهد داشت، می‌اندیشیم (برای مثال: آیا با این همسر خوشبخت می‌شوم؟ آیا با این شغل شادمان می‌شوم؟). علاوه بر این اغلب موقعیت خود یا افراد نزدیکمان را بر حسب شادکامی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم (آیا فرزندانم شاد و خوشحال هستند؟) و در نهایت، شادمانی عامل مهمی در تبیین و پیش‌بینی رفتارهای افراد در موقعیت‌های مختلف به شمار می‌رود (Haller and Hadler, 2006: 170). هایبرون اعتقاد دارد: این دلایل به اندازه کافی متقاعدکننده است که محققان در رشته‌های مختلف علمی را به تحقیق و پژوهش درباره شادمانی ترغیب نماید.

با توجه به اهمیت شادکامی در زندگی اجتماعی، پرسش اساسی این مقاله را می‌توان به این صورت بیان کرد: وضعیت شادکامی در میان شهروندان ساکن در شهر کرمان چگونه است و چه عواملی بر روی آن تأثیر می‌گذارد. این مقاله با رویکردی جامعه‌شناختی به تبیین مسئله می‌پردازد و رابطه سرمایه اجتماعی را با شادمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. برای این منظور، ابتدا به تعریف موضوع و مبانی نظری پژوهش می‌پردازیم، سپس نحوه جمع‌آوری اطلاعات و سنجش متغیرها را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان به تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها خواهیم پرداخت. بنابراین، فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

۱. بین شبکه اجتماعی قوی و شادکامی رابطه معنادار وجود دارد.

۲. بین شبکه‌های مشارکت مدنی و شادکامی رابطه معنادار وجود دارد.

۳. بین حمایت اجتماعی و شادکامی رابطه معنادار وجود دارد.

۴. بین اعتماد بین شخصی و شادکامی رابطه معنادار وجود دارد.

۵. بین اعتماد نهادی و شادکامی رابطه معنادار وجود دارد.

۶. بین احساس تعلق و شادکامی رابطه معنادار وجود دارد.

۱. تعریف و تحدید مفهوم شادکامی

در ابتدا لازم است بین دو معنای شادکامی تفکیک قائل شویم: یکی به لحظه‌ای که در آن به سر می‌بریم مربوط می‌شود و دیگری به زندگی در کلیت آن اشاره دارد. شادکامی به عنوان نتیجه تجربه خاص و واقعی، چیزی است که هر یک از ما آن را می‌شناسیم و پیوسته توسط شاعران، آهنگ‌سازان و فیلم‌سازان توصیف می‌شود. با این همه در این نمونه‌ها شادکامی دقیقاً چیزی بیش از تحریک و برانگیختن هیجان روانی - جسمانی^۱ بوده و متمایز از لذت و میل جنسی است. شادکامی - دقیقاً همانند رضایت از زندگی^۲ - جزء یا مؤلفه^۳ را در بر می‌گیرد: تصور و پنداشت (بعد شناختی)، ارزیابی^۴ و احساس مثبت^۵ که مؤلفه^۶ اخیر بر دو مؤلفه^۷ اول استوار است (Ibid: 175).

همچنین دانیل نیتل^۴ (۲۰۰۵) برای شادکامی سه سطح مجزا قائل می‌شود که سطح اول، احساس و لذت محض، سطح دوم ارزیابی از قضاوت‌های فرد در حوزه‌های چندگانه زندگی یا به عبارت دیگر رضایت از زندگی و در نهایت، سطح سوم که شامل توانایی‌ها و فضائل زندگی و به فعلیت رساندن آنهاست. هر قدر از سطح سوم به سمت سطح اول حرکت کنیم، حالت‌ها فوری‌تر، حسی‌تر، عاطفی‌تر، مطلق‌تر و سنجش‌پذیرتر است (Lehman, 2009: 14).

اکثر روان‌شناسان شادکامی را به عنوان قضاوت کلی^۵ درباره زندگی در تمامیت آن، که هر دو جنبه عاطفی و شناختی را در بر می‌گیرد، تعریف می‌کنند (Galati et al., op.cit: 603). برالد معتقد است: اصطلاح «شادکامی» را می‌توان به شیوه‌های مختلفی تعریف کرد، اما اگر برداشت خود را به کاربردهای روان‌شناختی محدود کنیم (که در آن این اصطلاح برای مشخص ساختن برخی حالت‌های ذهنی^۶ به کار می‌رود) می‌توانیم سه نوع تعریف را از هم متمایز کنیم (Bruld, 2007:45).

۱. دیدگاه رضایت از زندگی^۷: در این نگرش، شادکامی به عنوان گرایش مثبت نسبت

1. Psycho-physical sensation
2. Evaluation
3. Positive feeling
4. Nettle
5. Overall judgment
6. Mental state
7. Life satisfaction view

به زندگی در کلیت آن مفهوم سازی می شود. شادی به طور ساده ارزیابی زندگی به شیوه مثبت، تأیید و پذیرش آن و نگرستن به آن به شکل مطلوب است. در این برداشت، رضایت مفهومی عام^۱ است (موضوع ارزیابی، زندگی فرد در تمامیت آن است) و نمی تواند به جمع رضایت یا نارضایتی از حوزه های خاص زندگی فرد برای مثال رضایت شغلی، رضایت خانوادگی و... تقلیل پیدا کند.

۲. دیدگاه عاطفی محض^۲: در این دیدگاه شادمانی شامل برخی انواع حالت های عاطفی است. شادی به معنای احساس شاد بودن یا خوب بودن است. در این برداشت، شادکامی دارای مؤلفه شناختی و ارزیابی مثبت از زندگی در کلیت آن نیست. بر حسب اینکه چه نوع حالت عاطفی مدنظر قرار گیرد، می توان حداقل چهار نسخه متفاوت^۳ از این نوع نگرش را تشخیص داد:

الف) شادکامی به عنوان حالت خوشی و سرور^۴؛

ب) شادکامی به عنوان آرامش خیال^۵ (این برداشت رایج ترین کاربرد را در ادیان و زمینه های روحی دارد)؛

پ) حالت خلق مثبت^۶؛ برای مثال احساس توانمندی، سرزندگی و سبکبالی روح، به مثابه خلق خوش بینی یا امیدواری که بر طرز تلقی افراد از زندگی خود و بر ارزیابی آنها از جهان به طور کلی تأثیر می گذارد؛

ت) به عنوان سطح لذت مثبت^۷ یا سطح بالای بهزیستی (خوشبختی) ذهنی^۸.

۳. دیدگاه ترکیبی^۹: در این دیدگاه شادکامی ترکیبی از رضایت از زندگی و بهزیستی ذهنی است. شادکامی به عنوان حالت ذهنی پیچیده در نظر گرفته می شود که بخشی از آن شناختی (گرایشی^{۱۰}) و بخش دیگر آن عاطفی است. به عبارت دیگر سطح شادکامی

-
1. Global
 2. Pure affective view
 3. Different versions
 4. Euphoric or blissful
 5. Peace of mind
 6. Positive mood state
 7. Positive hedonic level
 8. Subjective well-being
 9. Hybrid view
 10. Attitudinal

شخص تابع دو عامل است: ۱. فرد تا چه حد از زندگی خود راضی و خرسند است (همان طور که او آن را درک می کند) و ۲. با توجه به این ارزیابی به چه میزان احساس می کند خوب است.

چنانکه ملاحظه می شود در تعاریف مورد بحث، مفهوم بهزیستی (خوشبختی) ذهنی، حامل معنای مشابهی است و غالباً به جای شادمانی مورد استفاده قرار می گیرد. به طور کلی این مفهوم، وضعیت های روان شناختی بنیادی را منعکس می سازد که ابعاد عاطفی (برای مثال شادکامی) و شناختی (برای مثال رضایت، ارزش ها و آرزوها) را در بر می گیرد (Taylor et al., 2001: 442).

سنجه های^۱ بهزیستی (خوشبختی) ذهنی، ارزیابی کلی افراد از شرایط یا ادراک آنها از حوزه های خاصی از زندگی را بیان می کند. دو سنجه کلی بهزیستی (خوشبختی) ذهنی که به طور مشترک مورد استفاده قرار می گیرند، شامل شادکامی و رضایت کلی از زندگی است. شادکامی به طور کلی به عنوان سنجه عاطفی^۲ در نظر گرفته می شود، در حالی که رضایت از زندگی سنجه شناختی است (Ibid).

دینر و سو معتقدند: بهزیستی (خوشبختی) ذهنی شامل سه مؤلفه مرتبط با هم است: رضایت از زندگی، عاطفه خوشایند^۳ و عاطفه ناخوشایند. عاطفه به خلق ها و احساسات خوشایند و ناخوشایند اشاره دارد، در حالی که رضایت از زندگی به ادراک شناختی مربوط است. هر دو مؤلفه یعنی عاطفه و رضایت، ارزیابی افراد از زندگی و شرایطشان را بیان می کنند. آنها معتقدند: برای سنجش بهزیستی (خوشبختی) ذهنی باید هر سه مؤلفه که از هم متمایز هستند، مورد بررسی قرار گیرند (Diener & Suh, 1997: 45).

مفهوم سازی دینر و سو (۱۹۹۷) از بهزیستی ذهنی به تعریف ونهون از شادکامی نزدیک است. ونهون معتقد است: شادکامی دارای معانی متفاوت عینی و ذهنی است. در معنای عینی، شادکامی عبارت است از: زندگی کردن در شرایط خوب، از قبیل ثروت مادی، صلح و آزادی، در معنای ذهنی، شادکامی حالتی ذهنی است. این زمینه به احساسات ناپایدار و نیز ادراکی پایدار از زندگی اشاره دارد. برای هدف ما، این اصطلاح فقط در معنای اخیر به کار رفته است. شادکامی به عنوان میزانی که فرد در مجموع کیفیت زندگی

-
1. Measures
 2. Affective measure
 3. Pleasant affect

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی: شهر کرمان) ۴۷

کنونی خود را به عنوان یک کل، مثبت ارزیابی می کند، تعریف شده است (ونهوون، ۱۳۸۹: ۳۲۵).

آنچه از تعاریف مربوط به شادمانی به ویژه مفهوم سازی برالد، دینر و سو و همچنین ونهوون استنباط می شود این است که:

- شادمانی دارای معانی عینی و ذهنی است که در اینجا بر بعد ذهنی آن تأکید می شود.
- شادمانی مفهومی چندبعدی است، مرکب از عاطفه (عاطفه خوشایند و ناخوشایند) و رضایت از زندگی.
- مفهوم شادمانی بر ارزیابی کلی زندگی دلالت دارد و به یک حوزه خاص از زندگی مربوط نمی شود.
- ارزیابی از زندگی مبتنی بر دو منبع اطلاعاتی است: ما تجربه عاطفی معمول خود را بر آورد می کنیم تا ارزیابی کنیم که در کل چه احساسی داریم و در سطح شناختی، زندگی خود را با استانداردهای یک زندگی مطلوب مقایسه می کنیم. همان طور که ونهوون به درستی می گوید: به نظر می رسد که منبع عاطفی در مجموع مهم تر از منبع شناختی است.
- بدین ترتیب می توان گفت، شادکامی یک حالت ذهنی است، دارای ابعاد شناختی (رضایت از زندگی) و عاطفی (هیجان مثبت و نبود هیجانات منفی از جمله افسردگی و اضطراب) است و برای سنجش آن باید کلیه ابعاد آن که به لحاظ مفهومی از هم متمایز هستند، مورد بررسی قرار گیرند.

۲. مبانی نظری پژوهش

اگرچه سنت طولانی درباره شادکامی وجود دارد، اما تنها در دوره اخیر است که این موضوع مورد پژوهش های علمی قرار گرفته است. اولین مطالعات در طول دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ انجام گرفت. از خلال حجم عظیمی از کارهای انجام شده و همچنین با توجه به نظرات اندیشمندان در حوزه شادکامی، می توان نتیجه گرفت که شادکامی افراد در جامعه تک علتی نیست و عوامل روان شناختی، اجتماعی، فرهنگی و دموگرافیک بر آن تأثیرگذار است. به طور مثال دینر و لوکاس (۱۹۹۹) به مطالعاتی اشاره می کنند که یافته هایشان نشان می دهد: متغیرهایی مانند سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، درآمد و نژاد تنها ۸ تا ۲۰

درصد از واریانس شادمانی را تبیین می‌کند. علاوه بر این، عوامل فردی^۱ مانند ژنتیک، حس کنترل شخصی^۲، عزت نفس و برون‌گرایی با شادکامی رابطه دارند. با وجود این، عوامل فردی نیز بخش زیادی از واریانس شادکامی را تبیین نمی‌کند. نتایج تحقیقات اینگلهارت (۱۹۷۷) بیانگر این واقعیت بود که متغیرهای پیشینه‌ای به‌طور متوسط فقط ۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را توضیح می‌دهد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۳).

رابطه ضعیف عوامل جمعیت‌شناختی، فردی و شخصیتی با شادکامی، محققان بسیاری را ترغیب کرد تا مؤلفه‌های مهم دیگری را مورد توجه قرار دهند. برخی از آنها نقش سرمایه اجتماعی را که تا همین اواخر عاملی مفقود بود، در بالا بردن سطح شادمانی برجسته دانسته و به بررسی آن پرداختند. بنابراین صحبت از همه عوامل اثرگذار بر شادکامی از حوصله این مقاله خارج است و در اینجا سعی شده است که بیشتر عوامل اجتماعی و به‌طور خاص سرمایه اجتماعی به بحث گذاشته شود.

۲-۱. سرمایه اجتماعی

همانند بسیاری از مفاهیم جامعه‌شناختی، سرمایه اجتماعی دارای معانی بسیار متفاوتی است. در حالی که بعضی از محققان، سرمایه اجتماعی را بر حسب اعتماد و هنجارهای همیاری مدنی^۳ تعریف می‌کنند، بعضی دیگر آن را از نقطه نظر ارزش‌های فرهنگی مانند دلسوزی، غمخواری^۴، دگرخواهی و تحمل مشخص می‌سازند، در حالی که برخی هنوز بر نهادها و کیفیت و کمیت «زندگی انجمنی»^۵ تأکید می‌کنند، برخی دیگر از محققان جداسازی منابع سرمایه اجتماعی (به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی) را از پیامدها و نتایج آنها مانند اعتماد، تحمل و همیاری، عملی می‌دانند (Chou, 2006: 891).

در اینجا قصد نداریم خود را درگیر بحث‌های مفهومی کنیم و به ارزیابی تعاریف مختلف پردازیم، بلکه تلاش می‌کنیم تنها جنبه‌هایی از سرمایه اجتماعی را مورد توجه قرار دهیم که با موضوع شادمانی مرتبطند. از این رو بحث خود را با اشکال سرمایه اجتماعی آغاز می‌کنیم و سپس رابطه آنها را با شادمانی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

-
1. Individual factor
 2. Sense of personal control
 3. Norms of civic cooperation
 4. Compassion
 5. Associational life

۲-۲. اشکال سرمایه اجتماعی

اگرچه مفهوم سرمایه اجتماعی به روش‌های مختلفی تعریف شده است، با این همه اکثر تعاریف دو جنبه را در بر می‌گیرد: جنبه ساختی و جنبه شناختی (Mitchell and Bossert, 2007; Almedom, 2005; Ferlander, 2007; Chou, 2006; Uphoff and Wijayaratna, 2000). هر دو شکل سرمایه اجتماعی می‌تواند نتایج مادی و غیرمادی معینی داشته باشد. تفاوت اصلی میان این دو مقوله آن است که شکل‌های ساختاری سرمایه اجتماعی نسبتاً بیرونی و قابل مشاهده است که از جنبه‌های گوناگون روابط اجتماعی ناشی می‌شود. در حالی که سرمایه اجتماعی شناختی، فعالیت ذهنی و از این رو درونی و غیر عینی است (Uphoff & Wijayaratna, 2000: 187).

اکثر تعاریف سرمایه اجتماعی حول سه عنصر یا مؤلفه می‌چرخد: شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای بده و بستان^۱ و اعتماد. شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به‌عنوان جنبه ساختی^۲ سرمایه اجتماعی در نظر گرفت و مشارکت و ویژگی رفتاری آن را مشخص می‌سازد. با وجود این، هنجارهای بده و بستان و اعتماد بیشتر جنبه شناختی^۳ سرمایه اجتماعی هستند و ارزش‌ها و یا گرایشات را مشخص می‌کند. پاتنام مانند اکثر اندیشمندان (۱۹۹۵)، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان ترکیبی از این جنبه‌ها تعریف می‌کند: خصایص سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی که هماهنگی و همکاری را برای نفع مشترک، تسهیل می‌کند (Ferlander, 2007: 116).

اکثر صاحب نظران - برای مثال بوردیو (۱۹۸۵)، ولکاک (۱۹۹۸)، پاتنام (۲۰۰۰) و...- شبکه اجتماعی را مؤلفه مرکزی و عنصر اساسی سرمایه اجتماعی می‌دانند. با این همه بسیاری از اندیشمندان همچنین محتوای^۴ آن را نیز مدنظر قرار می‌دهند و به عبارتی، جنبه‌های شناختی را برای سرمایه اجتماعی با اهمیت می‌دانند. در این زمینه آنها استدلال می‌کنند که بدون هنجارهای بده و بستان و اعتماد، شبکه‌ها فرومی‌پاشند.

علاوه بر شبکه‌ها، هنجارهای بده و بستان و اعتماد اجتماعی، اخیراً محققان احساس تعلق را به‌عنوان شکل دیگری از سرمایه اجتماعی که می‌تواند شادمانی را پیش‌بینی کند

-
1. Norms of reciprocity
 2. Structural aspect
 3. Cognitive aspects
 4. Content

مورد بررسی قرار داده‌اند (Leung et al., 2010). احساس تعلق از مؤلفه‌های شناختی سرمایه اجتماعی است که در بخش‌های بعدی با جزئیات بیشتری به آن خواهیم پرداخت. اکنون با مشخص شدن اشکال سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، قادر خواهیم بود رابطه هر یک از آنها را مورد بررسی قرار دهیم.

۲-۳. شبکه اجتماعی

به لحاظ مفهومی شبکه‌های اجتماعی بر حسب جهت، توان و شدت^۱ و همچنین تنوع و گوناگونی پیوندهایشان^۲ از هم متمایز می‌شوند. اولین تمایز به ارتباطات افقی و عمودی مربوط می‌شود. پاتنام معتقد است: هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها اساساً «افقی» هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند، اما بعضی دیگر شبکه‌هایی «عمودی» هستند که شهروندان نابرابر را به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله‌مراتب و وابستگی متقابل به هم پیوند می‌دهند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۶).

شبکه‌های مشارکت مدنی از جمله انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب مردمی و... کنش افقی شدید را به نمایش می‌گذارند. شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی هستند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند (همان).

علاوه بر جهت پیوندها، شبکه‌ها می‌توانند بر اساس شدت و قدرت پیوندها نیز طبقه‌بندی شوند. یکی از آشناترین تقسیم‌بندی‌های شبکه‌های اجتماعی بر حسب تمایز میان پیوندهای قوی و ضعیف^۳ است. گرانووتیر بین پیوندهای عاطفی قوی (دوستی) و پیوندهای عاطفی ضعیف (آشنایی) تمایز قائل می‌شود (چلبی، ۱۳۸۵). پیوندهای قوی درون‌گروهی (پیوند با خانواده، دوستان نزدیک و...) به خانواده‌ها و اجتماعات حس هویت و مقصد مشترک می‌دهد (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴). کلمن (۱۹۹۰) با توصیف خانواده به‌عنوان شکل خاصی از سرمایه اجتماعی، تمایل دارد سرمایه اجتماعی را با اشکال پیوندهای قوی

1. Strength
2. Direction of their ties
3. Strong and weak ties

برابر بداند.

از طرف دیگر، پیوندهای ضعیف که پیوند با افراد غیر صمیمی و آشنایان را در بر می‌گیرد، برای دستیابی به اطلاعات جدید، آگاهی از فرصت‌های تازه، یافتن شغل و دسترسی به سایر منابع در سطح جامعه بسیار مطلوب است. پاتنام بر خلاف کلمن، بیشتر بر پیوندهای ضعیف در انجمن‌های داوطلبانه و کمتر بر نقش خانواده تمرکز دارد.

علاوه بر تمایز میان پیوندهای قوی و ضعیف، اخیراً مجموعه‌ای از تحقیقات در سطوح خرد (بین افراد) و میانه (بین گروه‌ها) بین سرمایه اجتماعی پیوندزنده و پل‌زن^۱ تمایز قائل شده‌اند. این رشته از تحقیقات با آنچه ولکاک و نارایان دیدگاه شبکه‌ای^۲ می‌نامند منطبق است و اهمیت مکمل بودن پیوندهای افقی با عمودی را برای دستیابی به دستاوردهای مثبت مشخص می‌سازد (Brunie, 2009: 254).

سرمایه اجتماعی پیوندزنده، به روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان نزدیک و صمیمی اشاره دارد. این نوع سرمایه اجتماعی بیانگر شبکه‌های درونگرا، متجانس، بسته و کوچک است که عموماً بر اساس اعتماد و همکاری متقابل بین افراد مشابه شکل می‌گیرد. این شبکه‌ها برای ایجاد هویت گروهی و دستیابی به هدفی مشترک مناسب هستند. اما چنین شبکه‌هایی برای دستیابی به اطلاعات و دیگر منابع، کارآمد نیستند.

سرمایه اجتماعی پل‌زننده، شامل پیوندهای دور، با فاصله و غیر صمیمی میان همکاران و دیگر افراد جامعه می‌شود که ممکن است دارای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوتی باشند. سرمایه اجتماعی پل‌زننده، به گرد آمدن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی تمایل دارد و از این رو زمینه مساعدی برای تقویت اعتماد جمعی^۳ یا اعتماد تعمیم یافته فراهم می‌سازد. به‌طور کلی ریشه تفاوت و تمایز میان سرمایه اجتماعی پیوندزنده و پل‌زن یا شبکه‌های اجتماعی بسته و باز را باید در پیوندهای قوی و ضعیف جستجو کرد که شرح داده شد.

با توجه به تمایز بین سرمایه اجتماعی پیوندزنده و پل‌زن و همچنین پیوندهای قوی و ضعیف، این نکته آشکار می‌گردد که افراد به دو شکل به شبکه‌ها مرتبط می‌شوند: یکی روابط اجتماعی است که از طریق تماس با خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و...

-
1. Bonding and bridging social capital
 2. Network view
 3. Collective trust

صورت می‌گیرد و دیگری درگیری مدنی است، مانند عضویت در انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت در سازمان‌های خیریه و مذهبی، انجمن‌های علمی، فرهنگی، ورزشی و... نکته قابل توجه آنکه فرض نظریه پردازان سرمایه اجتماعی این است که هر دو نوع شبکه‌های (شبکه اجتماعی قوی و شبکه مشارکت مدنی) در ایجاد شادمانی در میان اعضای جامعه مؤثرند. به طور کلی، روابط اجتماعی اثر بسیار زیادی بر شادی و جنبه‌های دیگر سلامتی دارد و شاید بزرگ‌ترین علت منفرد آن باشد (آرگایل، ۱۳۸۶؛ کار، ۱۳۸۷؛ Dolan et al., 2001; Haines et al., 1996; Taylor et al., 2008).

یکی از اولین بینش‌های جامعه‌شناختی که با تحقیق دورکیم پیوند خورده است، به تأثیر مثبت و سودمند انسجام اجتماعی بر سلامتی و بهزیستی ذهنی^۱ مربوط می‌شود. دورکیم نشان داد که هرچه پیوندهای افراد با جامعه ضعیف‌تر باشد، احتمال اقدام به خودکشی افزایش می‌یابد. او معتقد است: روابط اجتماعی^۲ فرد را در مقابل صدمات و آسیب‌های روان‌شناختی^۳ محافظت می‌کند. پس از دورکیم سنت تحقیقی فراگیری شکل گرفت که به شرح جزئیات نقش روابط اجتماعی در بهبود سلامتی و بهزیستی ذهنی از طریق تأمین نیازهای اساسی (نیازهای مادی و احساسی) پرداخت (Lindquist, 2000:432).

هنگامی که پیوند میان افراد برقرار شود، این پیوندها مجراهایی برای مبادلات عواطف و اطلاعات خواهند شد و سطحی از انسجام را در جامعه ایجاد خواهند کرد. بنابراین پیوندها و روابط اجتماعی افراد را به یکدیگر گره می‌زند (بروگمن، ۱۳۸۹: ۶۵). مردم زمانی که در قالب شبکه‌ها عمل می‌کنند، بیشتر از زمانی که در انزوا به سر می‌برند، احساس سلامتی، بهزیستی و شادکامی می‌کنند. در ادامه به تشریح نقش این شبکه‌ها می‌پردازیم. ابتدا رابطه شبکه‌های اجتماعی قوی را با بهزیستی ذهنی و شادمانی مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس تأثیر شبکه‌های مشارکت مدنی را بر متغیر وابسته بررسی می‌کنیم.

در تحقیقات مربوط به سلامتی، سرمایه اجتماعی عمدتاً به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی افقی غیر رسمی با پیوندهای قوی^۴ مورد توجه قرار گرفته است. تحقیقات زیادی وجود دارد که رابطه مثبت میان شبکه‌های افقی متراکم با پیوندهای قوی (سرمایه اجتماعی پیوند

-
1. Mental well-being
 2. Social relationship
 3. Psychological harm
 4. Horizontal, informal and strong social network

زننده) را با سلامت نشان می دهد (Habibov & Afandi,2011; Ferlander,2007).

مطالعات متعددی آشکار ساخته اند که بهزیستی و حمایت اجتماعی با کیفیت و تراکم روابط اجتماعی همبسته است. محیط بین شخصی^۱ افراد، بهزیستی احساسی یا شادمانی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد. در واقع درجه بهزیستی درونی افراد و شادکامی آنها با تعداد افرادی که زمینه اجتماعی بلافصل^۲ آنها را شکل می دهند، افزایش می یابد. این امر مؤید آن است که شبکه های شخصی^۳ و به ویژه شبکه های دوستی^۴ بر روی بهزیستی درونی و شادکامی افراد تأثیر خواهد داشت (Requena,2010:2).

وجود شبکه اجتماعی با معنا^۵ افراد را در مقابل تنهایی و انزوای اجتماعی محافظت می کند. وانگ و همکاران نشان دادند که شبکه اجتماعی غنی^۶ خطر بیماری های روانی را کاهش می دهد (Bonsang & Soest,2012: 274).

مطالعات مربوط به روابط دو نفره^۷ نشان می دهد که پیوندهای قوی و پیوندهای مشابه و همگون^۸ (پیوند افراد با خصایص مشابه) در مقایسه با پیوندهای ضعیف و پیوندهای ناهمگون^۹ (پیوند افراد با خصایص متفاوت و نامشابه) کانال های مهم تری برای حمایت اجتماعی به حساب می آیند (Haines et al.,1996: 254).

دوستان بخش مهمی از شبکه های شخصی افراد محسوب می شوند. ولمن و ورتلی (۱۹۸۹) در پژوهش خود دریافتند که بیش از نیمی از اعضای شبکه پاسخگویان، افراد غیرخویشاوند هستند. برای بسیاری از افراد در هنگام نیاز و اضطراب دسترسی به دوست، همسایه و همکار بیش از سایرین وجود دارد. دوستان خواه در نزدیک و مجاورت فرد باشند، خواه نباشند، می توانند منبع مهمی برای حمایت احساسی^{۱۰} برای افراد، به ویژه بزرگسالان باشند. همسایگان و همکاران که در دسترس فرد قرار دارند، نسبتاً به آسانی

-
1. Inter – personal environment
 2. Immediate social context
 3. Personal networks
 4. Friendship networks
 5. Meaningful social network
 6. Rich social network
 7. Dayadic
 8. Homophilous ties
 9. Heterophilous
 10. Emotional support

می‌توانند فرد را مورد حمایت ابزاری^۱ قرار دهند. همچنین تماس مداوم^۲ می‌تواند محیطی را برای مبادله حمایت احساسی فراهم سازد. مجاورت مسکونی، تماس‌های مکرر^۳، ارتباطات و اتصالات همبسته متراکم^۴ آگاهی متقابل^۵ از مسائل را افزایش می‌دهد و کمک‌رسانی را تسهیل می‌کند (Liebler & Sandefur, 2002: 365).

می‌توان شرایطی را که دوستان فراهم می‌سازند تا شادی ایجاد شود، شناسایی کرد. یکی از منابع اساسی دوستی، پاداش است. چنانچه دوستان پاداش‌دهنده باشند و هیجان مثبت و رضایت ایجاد کنند، سه نوع اساسی رضایت از روابط آنها با هم به وجود می‌آید. آنها می‌توانند به‌طور کلامی با موافقت، تشویق، تقدیر و علاقه‌مند بودن، پاداش‌دهنده باشند. آنها می‌توانند به‌ویژه از طریق دادن هدیه، نصیحت و ارائه اطلاعات، مفید باشند. آنها ممکن است از طریق همراه شدن در سرگرمی‌ها و خوش بودن، خندیدن و پیوستن در بازی‌های جمعی، یا سایر کارهایی که نمی‌توانیم در تنهایی انجام دهیم، پاداش‌دهنده باشند (آرگایل، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

کار (۱۳۸۷) معتقد است که روابط و دوستی‌های محدود احتمالاً به سه دلیل با شادکامی همبسته است: اول اینکه، افراد شاد بیشتر به‌عنوان دوست و فرد قابل اعتماد انتخاب می‌شوند، زیرا آنان در مقایسه با افراد سیه‌روز معاشران جذاب‌تری هستند. آنها بیش از افراد افسرده که خودمدار و کمتر انسان دوست هستند، به دیگران کمک می‌کنند. دوم اینکه، روابط و دوستی‌های محدود نیاز به محبت را برآورده می‌سازند، بنابراین احساس شادی و رضایت را موجب می‌شوند. سوم اینکه دوستی‌های نزدیک حمایت اجتماعی سبب می‌شوند.

از سوی دیگر همیاری با آشنایان - کسانی که نه جزو خانواده‌اند و نه دوستان نزدیک - منبع بالقوه شادکامی و راهی برای پرهیز از ناشادکامی است (کار، ۱۳۸۷: ۶۹). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی پل‌زن و پیوندهای ضعیف می‌توانند عامل شادمانی و رضایت باشند. اریکسون (۲۰۰۳) در این زمینه می‌نویسد: افراد هنگامی که نزدیکانی دارند که مراقب آنها هستند و برای آنها ابراز علاقه می‌کنند، سالم‌تر و شادمان‌تر هستند. آنها

1. Instrumental support
2. Constant contact
3. Frequent contact
4. Densely knit connections
5. Mutual awareness

همچنین هنگامی که با افراد متفاوت زیادی به طور اتفاقی آشنا می‌شوند، در وضعیت بهتری قرار می‌گیرند (Ferlander, 2007: 122).

به تازگی تمرکز خاصی بر اهمیت سرمایه اجتماعی متقاطع، پل زن و ارتباطی^۱ در زمینه سلامتی و شادکامی شده است، به طوری که فرلاندر (۲۰۰۷) در این زمینه استدلال می‌کند که این نوع سرمایه اجتماعی احتمالاً شانس داشتن انواع مختلف تماس‌ها را برای رسیدن به اهداف مختلف افزایش می‌دهد، دسترسی به اطلاعات و منابع جدید را امکان‌پذیر می‌سازد، کنترل واقعی مردم را بر امور بالا می‌برد و در نهایت توانایی آنها را برای حل مسائل مختلف بهبود می‌بخشد.

مشارکت اجتماعی در زمینه‌هایی ایجاد می‌شود که افراد در فعالیت‌های اجتماعی در اشکال مختلف شبکه‌های رسمی و غیررسمی^۲ درگیر شوند. انواع مختلفی از فعالیت‌ها به عنوان اشکال مشارکت مورد بررسی قرار می‌گیرند، از جمله می‌توان به مشارکت سیاسی، فعالیت‌های داوطلبانه، درگیری در رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، تفریحی و فعالیت‌های فوق برنامه اشاره کرد (Cicognani et al., 2008: 98). همچنین مشارکت در جنبش‌های اجتماعی باعث وسعت یافتن هویت شخصی و فرصتی برای اعتلا و تحقق خود است و از طرف دیگر، اثربخشی^۳ و کنترل شخصی را افزایش می‌دهد.

مطالعات مختلف نشان می‌دهد که مشارکت افراد، به ویژه جوانان در فعالیت‌های اجتماعی شایستگی‌های رهبری^۴، حس پیوستگی^۵ احساس مسئولیت اجتماعی^۶ و ادراک از اثربخشی شخصی و عاملیت^۷ را افزایش می‌دهد. به اعتقاد برخی محققان، فرصت برای مشارکت و حق تعیین سرنوشت^۸ و امکان کمک به دیگران در زندگی اجتماعی نقش اساسی در افزایش سلامتی روان‌شناختی و بهزیستی افراد و احساس تعلق آنها دارد (Prilleltensky et al., 2001).

-
1. Crosscutting – bridging and linking
 2. Formal and informal social network
 3. Self- efficacy
 4. Leadership competences
 5. Sense of cohesion
 6. Social responsibility
 7. Agency
 8. Self-determinant

۲-۴. هنجارهای بده و بستان

اگرچه از هنجارهای بده و بستان به ندرت تعریفی ارائه شده است، با این همه اغلب به گستره‌ای از اشکال مبادله حمایت اجتماعی^۱ ارجاع دارد (Ferlander, 2007: 116). در ادبیات مربوط به این موضوع بین حمایت ساختاری و کارکردی تمایز قائل شده‌اند. حمایت ساختاری^۲ به صرف حضور دیگران در زندگی فرد مرتبط است. این نوع حمایت را می‌توان در محیط‌های سازمانی، اجتماعی، دینی یا خانوادگی که در آن ساختارهای اجتماعی وجود دارد، به دست آورد. حمایت کارکردی^۳ به حمایت‌های مادی و غیرمادی که توسط افراد حمایت‌کننده فراهم می‌شود، اشاره دارد. حمایت کارکردی متشکل از دو مؤلفه حمایت ابزاری و احساسی است. حمایت ابزاری به کمک مادی مانند پول، اطلاعات و کمک در زمینه کاری اشاره دارد. حمایت احساسی به احترام و همدلی و احساس یگانگی مرتبط است (Glazer, 2006: 606). غالباً در پیمایش‌های از نوع همه‌گیر شناختی^۴ جنبه‌های ساختاری حمایت (اندازه شبکه، فراوانی تعاملات، نوع روابط، وضعیت تأهل، عضویت در سازمان‌ها و غیره) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این نوع تحقیقات فرض بر این است که جنبه‌های ساختاری حمایت اجتماعی، اثرات مستقیم بر سلامتی و بهزیستی دارد و برای جنبه‌های کارکردی حمایت، نقش میانجی‌گری^۵ قائلند که در مقابل اثرات فشار روانی به صورت ضربه‌گیر عمل می‌کند (Kafetsios, 2006: 129).

در مقابل سنجه‌های کارکردی، حمایت اجتماعی به‌طور معمول مورد توجه تحقیقات روان‌شناختی است و با ارجاع به منابع روان‌شناختی^۶ مانند حمایت احساسی، ابزاری و اطلاعاتی و رضایت از حمایت^۷ مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نوع تحقیقات تمایل دارند شاخص‌ها و معرف‌های کارکردی حمایت اجتماعی را به‌عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده سلامتی و بهزیستی در نظر گیرند (Ibid). علاوه بر انواع و منابع حمایت، محققان بین

-
1. Forms of exchange of social support
 2. Structural support
 3. Functional support
 4. Epidemiological type survey
 5. Mediator
 6. Psychological resources
 7. Support satisfaction

ادراک ذهنی از حمایت در مقابل دریافت عینی حمایت و همچنین دسترسی ادراک شده^۱ در مقابل دریافت ادراک شده^۲ حمایت تمایز قائل می‌شوند (Glazer, op.cit). یکی از روش‌های غلبه بر استرس، دریافت این احساس است که همواره افرادی در دسترس برای کمک به ما وجود دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی عبارت است از این تصور که افرادی هستند که در موقع نیاز به ما کمک کنند و این یک دستاویز قوی برای غلبه بر استرس است (آرونسون و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۳۷).

آرگیل و فارنهام (۱۹۸۳) منابع رضایت را در ارتباطات متعدد مورد مطالعه قرار دادند و سه عامل واضح را مطرح کردند که عبارتند از: کمک مالی، حمایت احساسی و هیجانی و همکاری. نتایج نشان داد که همسران، بزرگ‌ترین منبع رضایت را دو عامل اول گزارش کرده‌اند، اما در مورد دوستان، همکاری منبع رضایت بوده است. این سه عامل به‌عنوان تبیینی برای اینکه چرا ارتباطات و روابط اجتماعی منابع رضایت هستند و چرا آنها مردم را شادمان و خوشحال می‌کند، پیشنهاد می‌کند (آرگیل، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

افرادی که شبکه‌های حمایت اجتماعی بزرگ‌تر و پیوندهای اجتماعی نیرومندتری با اعضای شبکه‌های خود دارند، از سلامت جسمی و روانی بهتر، بیماری‌های محدودتر و افسردگی کمتر برخوردارند (کار، ۱۳۸۶).

۵-۲. اعتماد اجتماعی

مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی است که به معنای حسن ظن نسبت به سایر افراد جامعه است. با وجود این، اعتماد نهادی یا اعتماد به نظام رسمی^۳ (برای مثال اعتماد به نظام سیاسی، نظام مالیاتی، نظام قضایی و...) معرف مهم سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید (Ferlander, 2007: 117).

پالدام^۴ (۲۰۰۰) معتقد است که اعتماد به‌طور واقعی شامل دو بعد است: اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به مردم به‌طور کلی) و اعتماد خاص^۵ (اعتماد به افرادی که می‌شناسیم). پاکستون (۱۹۹۹) نیز استدلال می‌کند که اعتماد مفهومی چندبعدی است و مرکب از

1. Perceived availability
2. Perceived receipt
3. Trust in the formal system
4. Paldam
5. Special trust

اعتماد به افراد و اعتماد به نهادهاست. به طور کلی یافته‌های تحقیقات از تمایز این دو نوع اعتماد حمایت می‌کند و اینکه بین هر دو نوع اعتماد با بهزیستی (خوشبختی) و شادکامی رابطه مثبتی وجود دارد (Leung and others 2010؛ Ram, 2009؛ Poortinga, 2006؛ Chang, 2009؛ Dolan et al., 2008؛ Bjornskov, 2007).

به اعتقاد لئونگ و همکاران (۲۰۱۰)، رابطه مثبت هر دو نوع اعتماد با شادمانی به معنای آن است که رابطه مهمی بین بهزیستی (خوشبختی) شهروندان و سطح اعتماد آنها به بخش‌های عمومی و خصوصی جامعه وجود دارد. در ارتباط با کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی، نتایج تحقیق نشان داد که شبکه اجتماعی قوی از دوستان عامل مهمی در تعیین سطح شادکامی فرد به حساب می‌آید. به‌ویژه دیدار دوستان و داشتن دوستان بیشتر، همچنین داشتن خویشاوندانی که فرد احساس می‌کند به آنها نزدیک است، رابطه مثبتی با شادکامی داشت.

۶-۲. احساس تعلق و حس اجتماع

هرچند شبکه‌های شخصی مجموعه‌ای از پیوندها را ایجاد می‌کنند که بر خورداری از حمایت اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد، همان‌طور که لین و همکاران (۱۹۷۹) خاطر نشان می‌سازند، افراد می‌توانند از طریق پیوند با گروه‌ها و اجتماعات وسیع‌تر^۱ از حمایت برخوردار شوند. برخی محققان، برای مشخص ساختن این بعد که فرد را به اجتماع وسیع‌تر (برای مثال اجتماع محلی و شهری) پیوند می‌زند، احساس تعلق و دلبستگی به اجتماع^۲ را مورد بررسی قرار داده‌اند (Haines et al., 1996: 255).

بعد از تحقیق اولیه کلمن، حس تعلق^۳ به‌عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی در ادبیات مورد بررسی قرار گرفت (Leung et al., op.cit). به اعتقاد کیلبی^۴ (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی در سطوح یا مقیاس‌هایی چون، احساس تعلق فرد به خانواده، اجتماع، شهر، کشور و غیره قرار دارد (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۸). لاپنر و دیگران (۱۹۹۹) معتقدند: حس اجتماع همراه با مؤلفه‌های همبستگی محلی^۵ و اثربخشی جمعی^۱ از جنبه‌های مهم سرمایه اجتماعی به حساب

1. Larger community
2. Community attachment
3. Sense of belonging
4. Kilby
5. Neighborhood cohesion

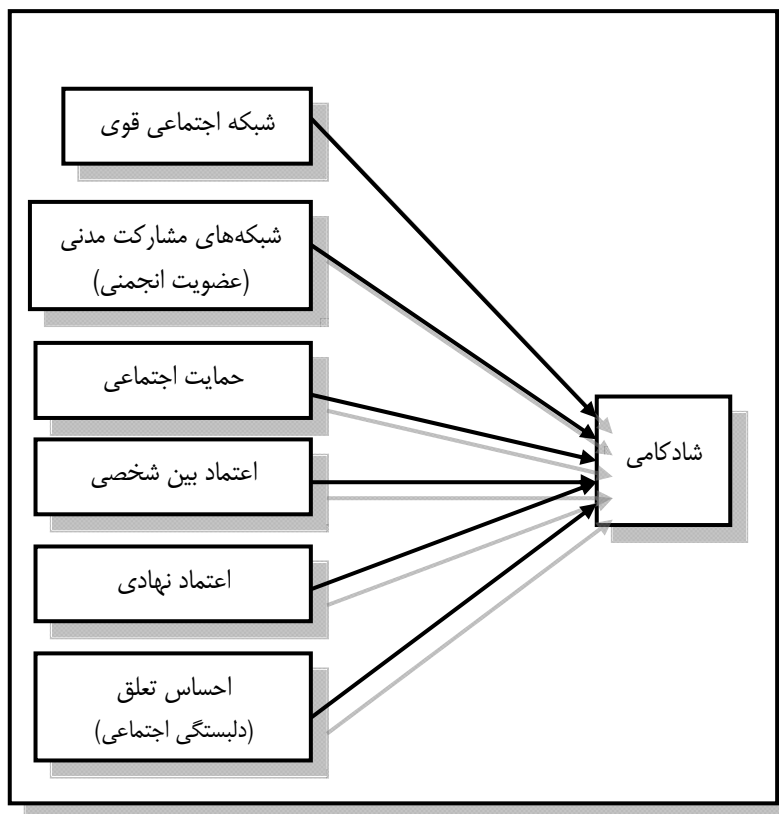
می آیند.

مک میلان و چاوینس (۱۹۸۶) سازه دل‌بستگی به اجتماع یا حس اجتماع^۲ را به‌مثابه احساس عضویت، هویت و دل‌بستگی به گروه مفهوم‌سازی می‌کنند (امیرکافی و پاک‌سرشت، ۱۳۸۸). در تعریف آنها، حس اجتماع دارای چهار بعد است: عضویت^۳ (سرمایه‌گذاری افراد برای تبدیل شدن به یک عضو مؤثر گروه یا اجتماع)، نفوذ^۴ (مفهومی دوسویه که از یک سو فرد برای گروه اهمیت دارد و از سوی دیگر گروه نیز می‌تواند بر روی اعضا نفوذ داشته باشد)، انسجام^۵ (این احساس که نیازهای اعضا از طریق عضویت در گروه برآورده می‌شود) و ارتباط و اتصال احساسی مشترک^۶ (احساس تاریخ مشترک در اجتماع).

برخی شواهد تجربی وجود دارد که از نقش حس اجتماع در افزایش بهزیستی شخصی^۷ (برای مثال رضایت از زندگی و احساس تنهایی) هم در بین جمعیت جوان و هم بزرگسال حمایت می‌کند. بر طبق نظر برکمن و همکاران، رفتارهای اجتماعی (رفتارهایی که جهت‌گیری اجتماعی دارند) و احساس تعلق به یک زمینه اجتماعی معنادار^۸ (برای مثال حس تعلق به محله مسکونی، شهر و...) بهزیستی اجتماعی^۹ را افزایش می‌دهد و مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کند (Leung et al., op.cit ؛ Cicognani et al., 2008: 100).

اکنون با توجه به توصیف سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و تبیین رابطه آنها با بهزیستی و شادکامی که در بخش مبانی نظری پژوهش ارائه شد، الگوی تحلیلی نمایش داده شده در نمودار ۱ برای این تحقیق طراحی شده است که در ادامه به چند نکته مهم پیرامون آن می‌پردازیم.

-
1. Collective efficacy
 2. Sense of community
 3. membership
 4. Influence
 5. Integration
 6. Shared emotional connections
 7. Personal wellbeing
 8. Meaningful social context
 9. Social wellbeing



نمودار ۱. مدل تحلیلی

در بررسی رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهومی چندبعدی تعریف شده است که شبکه اجتماعی قوی، پیوندهای انجمنی، حمایت اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق را در بر می‌گیرد. تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادمانی در دو سطح فردی و جمعی مورد بررسی قرار گرفته است. در یک سطح، سرمایه اجتماعی به‌مثابه نوعی منبع که در دسترس افراد قرار دارد، مفهوم‌سازی شده است. به معنای دقیق کلمه، «سرمایه‌گذاری» در زمینه سرمایه اجتماعی امکان دسترسی افراد به منابع را فراهم می‌سازد (برای مثال امکان برخورداری از حمایت اجتماعی). این امر به نوبه خود احتمالاً بهزیستی (خوشبختی) و شادکامی افراد را ارتقا می‌بخشد. این مفهوم‌سازی با دیدگاه «شبکه‌ای» از سرمایه اجتماعی منطبق است (Yip et al.,)

2007). در تحقیق حاضر سرمایه اجتماعی در سطح فردی از طریق سؤالات مربوط به شبکه اجتماعی قوی، شبکه مشارکت مدنی و همچنین حمایت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

در سطح دیگر، سرمایه اجتماعی عناصری در سطح جمعی را شامل می‌شود، برای مثال می‌توان به اعتماد تعمیم‌یافته یا اعتماد نهادی اشاره کرد. سطوح بالاتر اعتماد به اجتماع ممکن است انتشار سریع و گسترده‌تر اطلاعات و ایده‌ها و همچنین دسترسی به منابع را تسهیل کند و این امر ممکن است به نوبه خود رفتارهایی که موجب سلامتی و شادمانی بیشتر می‌شود را تقویت کند. این نگرش با دیدگاه «اجتماع‌گرایی» از سرمایه اجتماعی سازگار است که بر پیوستگی اجتماعی^۱ تأکید می‌کند.

در نهایت، در سنجش سرمایه اجتماعی علاوه بر سطوح، اشکال آن نیز (جنبه‌های ساختاری و شناختی) مدنظر قرار گرفته است. بعد ساختاری معرف‌های رفتاری سرمایه اجتماعی را در بر می‌گیرد و به‌ویژه به شبکه اجتماعی قوی و مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه اشاره دارد. بعد شناختی معرف‌های گرایشی مانند اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق به منطقه مسکونی، شهر و... را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب در این تحقیق سرمایه اجتماعی مرکب از دو بعد کلی ساختاری (شبکه‌های شخصی، پیوندهای انجمنی، حمایت اجتماعی) و شناختی (اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق) مفهوم‌سازی شده است که هر کدام به‌طور بالقوه بر بهزیستی و شادکامی افراد تأثیر می‌گذارند. لازم است خاطر نشان سازیم که با توجه به واحد تحلیل و سطح مشاهده در تحقیق حاضر بر اشکال سرمایه اجتماعی تأکید می‌کنیم تا سطوح آن.

۳. روش تحقیق

۳-۱. سنجش

در این بخش ابتدا به تعریف متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازیم سپس به نکاتی در مورد جامعه آماری و نمونه تحقیق اشاره می‌کنیم و در نهایت، اعتبار و روایی ابزار سنجش را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- شادکامی: چنانکه اشاره شد متغیر وابسته در تحقق حاضر شادکامی است. شادکامی

1. Social cohesion

حالت ذهنی است و دارای ابعاد شناختی (رضایت از زندگی) و عاطفی (هیجان مثبت و نبود هیجانات منفی از جمله افسردگی و اضطراب) می‌باشد. پژوهش حاضر برای سنجش میزان شادکامی پاسخگویان، از پرسشنامه شادکامی اکسفورد^۱ که توسط هیلز و آرجیل (۲۰۰۲) طراحی شده، بهره گرفته است. در حقیقت این پرسشنامه نسخه اصلاح شده و بهبود یافته پرسشنامه‌ای^۲ (OHI) است که قبل از آن توسط آرجیل، مارتین و کراسلند (۱۹۸۹) به عنوان سنجش کلی شادکامی شخصی^۳ تهیه شده بود.

پرسشنامه شادکامی شامل ۲۹ گویه است (۲۰ گویه از نسخه اول پرسشنامه شادکامی اکسفورد (OHI) و ۹ گویه اضافی و تجدید نظر شده). در این پرسشنامه گویه‌ها در قالب طیف لیکرت به دو صورت مثبت و منفی البته با شش امکان پاسخ (۱= کاملاً مخالف تا ۶= کاملاً موافق) طرح شده‌اند (Hills & Argyle, 2002; Kashdan, 2004).

در تحقیقی که توسط هیلز و آرجیل (۲۰۰۲) صورت گرفت، نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ شاخص^۴ شادکامی قابل ملاحظه و معادل ۰/۹۱ است. شایان ذکر است که ضریب آلفای کرونباخ در تحقیق حاضر نیز معادل ۰/۹۱ است که با نتایج هیلز و آرجیل (۲۰۰۲) مشابه است.

- سرمایه اجتماعی: چنانکه در بخش مبانی نظری پژوهش و در توضیح مدل تحلیلی اشاره شد، سرمایه اجتماعی را می‌توان بر اساس سطوح (فردی و جمعی) و اشکال آن (ساختاری و شناختی) مفهوم‌سازی کرد. در تحقیق حاضر سرمایه اجتماعی با تأکید بر سطح فردی و جنبه‌های ساختاری و شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه به تعریف مهم‌ترین شاخص‌های آن در سطوح و اشکال مورد بحث می‌پردازیم و در بخش‌های بعدی با اتکا بر داده‌ها، رابطه آنها را با شادکامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- شبکه اجتماعی قوی: بدیهی است که تقریباً هر کسی در شبکه‌ای از روابط شخصی قرار دارد. این شبکه‌ها به درجات متفاوتی عشق و علاقه، حمایت عاطفی، روابط دوستانه و کمک‌های عملی ارائه می‌کنند. می‌توان شبکه‌های شخصی را به منزله مجموعه‌ای از دوایر متحدالمرکز تصویر کرد که فرد در کانون آن قرار دارد (آبر کرامبی، ۱۳۸۸: ۹۵). در

-
1. Oxford Happiness Questionnaire (OHO)
 2. Oxford Happiness Inventory (OHI)
 3. Personal happiness
 4. Scale

تحقیق حاضر برای سنجش شبکه اجتماعی قوی پاسخگویان با تأکید بر حلقه داخلی دایره، فراوانی و شدت (استحکام) روابط آنها با اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان و همسایگان مورد بررسی قرار گرفته است. ویژگی رابطه با این دسته از افراد صمیمیت و احساس نزدیکی با آنها است.

- شبکه‌های مشارکت مدنی یا پیوندهای انجمنی: رابطه با افراد دورتر در قالب انجمن‌های داوطلبانه در حلقه‌های بعدی جای می‌گیرد. عضویت در سازمان‌ها و نهادهای مردم‌نهاد، شبکه‌های جدیدی از ارتباطات را در اختیار افراد قرار می‌دهد. در این تحقیق برای سنجش مشارکت مدنی میزان شرکت و فعالیت پاسخگویان در انجمن‌های خیریه و مذهبی، انجمن‌های هنری، ادبی، علمی، ورزشی، سازمان‌های محلی و... مورد بررسی قرار گرفته است.

- حمایت اجتماعی: چنانکه اشاره شد، افراد از طریق تماس با دیگران، شبکه‌ها را شکل می‌دهند، این تماس‌ها شبکه شخصی فرد^۱ را می‌سازند. بخش مهمی از این شبکه‌ها، افرادی را شامل می‌شود که حمایت اجتماعی فراهم می‌کنند که با بهزیستی (خوشبختی) ذهنی و شادکامی افراد رابطه مثبت دارد. شبکه‌های حمایت شخصی^۲ فشارهای روانی را کاهش می‌دهند و به افراد در غلبه بر مشکلات یاری می‌رسانند (Requena, 2010). از این رو حمایت اجتماعی را می‌توان قابلیت و کیفیت ارتباط با دیگرانی که منابعی را در هنگام نیاز فراهم می‌کنند، تعریف کرد (نبوی و دیگران، ۱۳۸۸). در تحقیق حاضر با تأکید بر بعد کارکردی، ابعاد عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی حمایت اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است.

- اعتماد بین شخصی: اعتماد به معنای حس ظن فرد نسبت به سایر افراد جامعه است که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۲). اعتماد بین شخصی شکلی از اعتماد است که خود را در روابط چهره به چهره نشان می‌دهد (همان). به‌طور کلی اعتماد بین شخصی به کسانی محدود می‌شود که با ما شباهت دارند. وجود شباهت و روابط احساسی قوی توسعه چنین اعتمادی را کمتر مخاطره‌آمیز می‌سازد (Khodyakov, 2007).

-
1. Individual's personal network
 2. Personal support networks

- اعتماد نهادی: شکلی از اعتماد تعمیم یافته است که میزان تمایل به اعتماد نسبت به حسن نیت و حسن انجام کار (عملکرد) خرده نظام‌های مختلف جامعه را اندازه می‌گیرد (چلبی، ۱۳۸۱). اعتماد نهادی بیانگر اعتماد غیر شخصی^۱ است. جامعه‌شناسانی نظیر باربر (۱۹۸۳) گیدنز (۱۹۹۰) و لوهمان (۱۹۸۸) ترجیح می‌دهند به جای اعتماد نهادی از اصطلاح «اعتماد به نظام»^۲ استفاده کنند (Ibid).

- احساس تعلق و دلبستگی به اجتماع: معمولاً مکان‌هایی که مردم ممکن است به آن دلبستگی پیدا کنند، طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و هر سطحی از فضا را شامل می‌شود، برای مثال محله مسکونی، شهر، استان و کشور. بر این اساس می‌توان دلبستگی به اجتماع را مبین احساس ذهنی^۳ مثبت افراد نسبت به اجتماعات مکانی دانست که موجب تعهد افراد نسبت به آنها و تمایلشان به حفظ رابطه با آنها در طول زمان و در مراحل مختلف زندگی می‌شود (امیر کافی و فتحی، ۱۳۹۰). برای سنجش این متغیر چهار سؤال در قالب طیف لیکرت در مورد میزان احساس تعلق پاسخگویان به محله، شهر، استان و کشور طرح شده است.

۲-۳. جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری این پژوهش را کلیه شهروندان کرمانی که بالای ۱۸ سال سن دارند، تشکیل می‌دهند. بر طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر کرمان معادل ۵۱۵۱۱۴ نفر است که از این تعداد تقریباً بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر بالای ۱۸ سال هستند، آماردانان برای چنین جمعیتی با p و q معادل ۰/۵ و خطای نمونه‌گیری $\pm ۰/۵\%$ و سطح اطمینان ۹۵٪ نمونه‌ای معادل ۳۸۴ نفر را مناسب می‌دانند (Line, 1976).

لازم به ذکر است که در این تحقیق با ۳۸۴ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر کرمان مصاحبه شده است که از بین آنها، اطلاعات ۳۷۶ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نمونه‌گیری در تحقیق حاضر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفته است. در این نوع نمونه‌گیری ابتدا خوشه‌ها انتخاب می‌شوند و سپس، در داخل هر خوشه افراد انتخاب می‌شوند. برای انجام نمونه‌گیری، ابتدا نقشه کرمان تهیه و بر اساس

-
1. Impersonal trust
 2. System trust
 3. Subjective feeling

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی: شهر کرمان) ۶۵

آن پنج منطقه مسکونی آن مشخص و سپس تعداد بلوک‌ها در هر منطقه مشخص و شماره گذاری شد. پس از انتخاب بلوک‌ها در هر منطقه و نمونه گیری از خانوارهای هر بلوک، فهرست اعضای هر خانوار نمونه، تهیه و یک عضو از میان آنها که بالای ۱۸ سال سن داشت، با روش تصادفی برای مصاحبه انتخاب شده است.

۳-۳. اعتبار و پایایی

به منظور تعیین اعتبار و پایایی ابزار سنجش، ابتدا گویه‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته طرح و در قالب پرسش نامه تنظیم شد و در اختیار استادان دانشگاه قرار گرفت تا نظرات خود را درباره قابلیت سنجش آنها و رعایت نکات دستوری و نگارشی اعلام کنند. در این مرحله، با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده، نسبت به اصلاح، تعدیل و حذف برخی گویه‌ها اقدام شد. پس از تعیین اعتبار صوری، سنجش روایی (پایایی) شاخص‌ها در دو مرحله آزمون مقدماتی (مصاحبه با ۳۰ نفر از ساکنان) و آزمون نهایی (مصاحبه با ۳۷۶ نفر) انجام گرفت. نتایج مربوط به آزمون نهایی که بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و متغیر وابسته صورت گرفته است که در جدول ۱ مندرج است. چنانکه ملاحظه می‌شود، ضرایب محاسبه شده نسبتاً بالا و قابل ملاحظه است.

جدول ۱. نتایج تحلیل روایی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (N=۳۷۶)

ردیف	متغیرهای مستقل و وابسته	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
۱	شادکامی	۱۲۸	۰/۹۱
۲	شبکه اجتماعی قوی	۵	۰/۷۲
۳	شبکه‌های مشارکت مدنی	۶	۰/۷۵
۴	حمایت اجتماعی	۹	۰/۸۱
۵	اعتماد بین شخصی	۵	۰/۶۶
۶	اعتماد نهادی	۱۲	۰/۸۶
۷	احساس تعلق	۴	۰/۶۹

۱. در تحقیق مقدماتی یک گویه از پرسشنامه شادکامی اکسفورد نامناسب مشخص و حذف شد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. توصیف متغیرها

۴-۱-۱. متغیرهای پیشینه‌ای

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان (۳۷۶ نفر)، ۴۷/۶ درصد (۱۷۹ نفر) مرد و ۵۲/۴ درصد (۱۹۷ نفر) زن هستند. اکثر پاسخگویان (۴۹/۵ درصد) در گروه سنی ۱۸-۲۹ سال قرار دارند و میانگین سنی آنان ۳۲/۸ سال است. از نظر وضعیت تأهل، ۵۸/۵ درصد پاسخگویان متأهل و ۳۸/۶ درصد مجردند. به لحاظ تحصیلات، اکثر پاسخگویان (۳۸/۶ درصد) دارای مدرک دیپلم و پس از آن به ترتیب کسانی که مدرک لیسانس (۲۹ درصد) و فوق دیپلم (۱۹/۴ درصد) هستند، قرار دارند. به لحاظ وضعیت فعالیت، اکثر پاسخگویان (۳۳/۸ درصد) شاغل، ۲۲/۹ درصد خانه‌دار، ۲۳/۱ درصد محصل و دانشجو، ۹ درصد بیکار و در جستجوی کار و ۱۰/۴ درصد بازنشسته هستند و در نهایت از نظر میزان درآمد، ۱۱/۲ درصد از پاسخگویان درآمدشان کمتر از ۲۰۰ هزار تومان است، ۱۲ درصد درآمدی بین ۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۱۹/۷ درصد درآمدی بین ۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۱۶/۸ درصد درآمدی بین ۴۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۱۰/۱ درصد درآمدی بین ۵۰۱ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۱۰/۹ درصد درآمدی بین ۷۰۱ تا یک میلیون تومان و نهایتاً ۵/۶ درصد از پاسخگویان درآمدشان بیش از یک میلیون تومان است.

۴-۱-۲. متغیر وابسته

در این تحقیق شادکامی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. متغیر مذکور با ۲۸ سؤال (گویه) در قالب طیف لیکرت با امکان پنج پاسخ (کاملاً موافق، موافق، در حد متوسط، مخالف و کاملاً مخالف) مورد سنجش قرار گرفته است. جدول ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به شادکامی را نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، میانگین شادکامی پاسخگویان معادل ۹۶/۶ به دست آمده است. با توجه به تعداد گویه‌ها و با در نظر گرفتن دامنه بالقوه نمرات (حداقل و حداکثر نمرات)، میزان شادکامی پاسخگویان بیش از حد متوسط ارزیابی می‌شود. در مجموع نتایج حاکی از این است که اگرچه میزان شادکامی پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد نیست، بالاتر از حد متوسط قرار دارد.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی شادکامی (متغیر وابسته)

میانگین	واریانس	انحراف معیار	حداقل نمرات	حداکثر نمرات
۹۶/۶	۲۶۵	۱۶	۲۸	۱۴۰

در تحقیق حاضر علاوه بر بررسی شادکامی با استفاده از پرسشنامه شادکامی اکسفورد (QHO)، شادی پاسخگویان در زمانی که به سر می‌برند نیز با یک سؤال (گویه) سنجیده شده است. برای این منظور از پاسخگویان خواسته شد به این سؤال که «در حال حاضر کدام یک از وضعیت‌های (حالت‌های) زیر به شما نزدیک‌تر است» پاسخ گویند. نتایج در جدول ۳ مندرج است. چنانکه ملاحظه می‌شود، ۱۴/۶ درصد از پاسخگویان (۵۵ نفر) اظهار داشته‌اند که اصلاً شاد نیستند و ۵۵ درصد از آنها (۲۰۷ نفر) احساس شادی کمی دارند. در مقابل، ۶/۶ درصد از پاسخگویان (۲۵ نفر) سطح شادی خود را در حد بسیار زیاد (فوق‌العاده) دانسته‌اند و ۲۳/۷ درصد از آنها نیز خود را خیلی شاد دانسته‌اند. در مجموع نتایج بیانگر این واقعیت است که تعداد پاسخگویانی که کمتر شاد هستند (۶۹/۷ درصد) بیش از کسانی است که از سطح شادی بالایی (۳۰/۳ درصد) برخوردارند. این نتیجه تقریباً با آنچه در تحقیق چلبی و موسوی (۱۳۸۷) به دست آمد مشابه است. در تحقیق مذکور درصد افراد اصلاً شاد، کمی شاد، خیلی شاد و فوق‌العاده شاد به ترتیب معادل ۱۸/۶، ۵۹/۰۷، ۱۸/۶۵ و ۳/۶۳ درصد بود.

جدول ۳. وضعیت شادی پاسخگویان

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۱۴/۶	۱۴/۶	۵۵	اصلاً شاد نیستم
۶۹/۷	۵۵/۱	۲۰۷	کمی شادم
۹۳/۴	۲۳/۷	۸۹	خیلی شادم
۱۰۰	۶/۶	۲۵	فوق‌العاده شادم
-	۱۰۰	۳۷۶	مجموع

۲-۴. همبستگی متغیرهای مستقل با شادمانی

جدول ۴ همبستگی میان عوامل مستقل را با متغیر وابسته نشان می‌دهد. چنانکه در ستون اول این جدول ملاحظه می‌شود، شدت و میزان همبستگی‌ها قابل ملاحظه است؛ جهت رابطه کلیه متغیرهای مستقل با شادکامی مثبت و رابطه همگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته کاملاً معنی‌دار (۰/۰۰۰) است. بیشترین میزان همبستگی میان دو متغیر شبکه اجتماعی قوی و شادکامی (۰/۴۴۷) است و پس از آن همبستگی متغیرهای اعتماد نهادی (۰/۴۴۲) و حمایت اجتماعی (۰/۴۱۳) قرار دارد.

جدول ۴. ماتریس همبستگی متغیرهای مستقل با شادکامی (N=۳۷۶)

متغیرها	شادکامی	شبکه اجتماعی قوی	شبکه‌های مشارکت مدنی (عضویت انجمنی)	حمایت اجتماعی	اعتماد بین شخصی	اعتماد نهادی	احساس تعلق
شادکامی	۱						
شبکه اجتماعی قوی	۰/۴۴۷	۱					
شبکه‌های مشارکت مدنی (عضویت انجمنی)	۰/۳۸۶	۰/۴۸۳	۱				
حمایت اجتماعی	۰/۴۱۳	۰/۳۷۱	۰/۲۶۳	۱			
اعتماد بین شخصی	۰/۳۹۴	۰/۴۲۶	۰/۳۸۴	۰/۴۳۲	۱		
اعتماد نهادی	۰/۴۴۲	۰/۲۷۲	۰/۳۳۵	۰/۳۶۱	۰/۴۱۸	۱	
احساس تعلق	۰/۳۳۳	۰/۱۶۴	۰/۱۵۵	۰/۲۰۳	۰/۲۶۴	۰/۳۲۸	۱

مقادیر مثبت همبستگی‌های به دست آمده به معنی آن است که هر چقدر میزان متغیرهای مستقل افزایش یابد، بر میزان شادمانی افراد افزوده می‌شود. برای مثال در مورد رابطه شبکه اجتماعی قوی و شادمانی، نتایج نشان می‌دهد که هر چقدر روابط فرد با اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان و همسایگان گسترده و عمیق‌تر و گرم و صمیمی‌تر باشد و همچنین از استحکام بیشتری برخوردار باشد، احساس شادکامی بیشتری می‌کند و بالعکس.

در مورد رابطه شبکه‌های مشارکت مدنی و شادکامی نتایج حاکی از این است که هر قدر میزان مشارکت فرد در سازمان‌های محلی، انجمن‌های داوطلبانه و خیریه، انجمن‌های علمی، فرهنگی و ادبی، باشگاه‌های ورزشی و... بیشتر باشد، احساس شادکامی بیشتری می‌کند.

در ارتباط با همبستگی متغیر حمایت اجتماعی و شادکامی نتایج بیانگر این واقعیت است که هر قدر فرد از همراهی، توجه و محبت اعضای خانواده، دوستان و سایر اطرافیان برخوردار باشد و مورد حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی بیشتری قرار گیرد، احساس شادکامی بیشتری می‌کند. این وضعیت در مورد رابطه متغیرهای اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق با شادکامی نیز صادق است، به طوری که هر قدر حسن ظن و اعتماد فرد به اعضای خانواده، اقوام و خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران بیشتر باشد، احساس شادکامی بیشتری می‌کند. همچنین هر چه حسن ظن فرد به خرده‌نظام‌های جامعه یا به عبارت دیگر به گروه‌ها و اصناف مختلف جامعه (پلیس، قضات، نظامیان، بازاریان، هنرمندان، معلمان و...) بیشتر باشد و عملکرد آنها را مثبت‌تر ارزیابی کند، احساس شادکامی بیشتری می‌کند. در نهایت، هر قدر فرد احساس کند که پیوند قوی‌تری با اجتماع محلی، اجتماع شهری و اجتماع ملی دارد، احساس شادکامی بیشتری می‌کند. احساس ذهنی مثبت نسبت به اجتماعات وسیع‌تر و احساس ارتباط و اتصال با آنها موجب شادکامی بیشتری می‌شود.

در مجموع بر اساس مقادیر همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، جهت رابطه‌ها و سطح معنی‌داری، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (شادکامی) با انتظارات نظری تحقیق مطابقت دارد و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، بر اساس سطوح سرمایه اجتماعی، رابطه کلیه متغیرها در سطح فردی (شبکه اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی و حمایت اجتماعی) و همچنین بر اساس اشکال سرمایه اجتماعی رابطه کلیه متغیرهای ساختی (شبکه اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی) و شناختی (اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق) با شادمانی مثبت و معنی‌دار است. در اینجا لازم است خاطر نشان سازیم که اگر به هنگام بحث در مورد سطوح سرمایه اجتماعی تنها بر سطح فردی (و نه سطح جمعی) تأکید می‌شود به این دلیل است که واحد تحلیل و سطح مشاهده در این تحقیق فرد است. از این رو انجام تحلیل در

سطح جمعی مناسب به نظر نمی‌رسد. البته برخی محققان معتقدند که حتی در این وضعیت هم می‌توان با توجه به سنجش اعتماد به‌ویژه اعتماد نهادی و همچنین احساس تعلق به تحلیل سرمایه اجتماعی در سطح جمعی پرداخت.

۳-۴. مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین شادمانی

در بخش گذشته همبستگی متغیرهای مستقل با شادمانی مورد بررسی قرار گرفت. چنانکه اشاره شد رابطه دو به دوی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته حاکی از تأیید فرضیه‌ها بود. در این بخش تلاش می‌کنیم با بهره‌گیری از رگرسیون چند متغیره، تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته بررسی کنیم و میزان اهمیت یا تأثیر خالصی را که هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته دارد، مشخص سازیم. نتایج به دست آمده که در جدول ۵ مندرج است، نشان می‌دهد: متغیر شبکه اجتماعی قوی بیشترین تأثیر را بر شادمانی (۰/۲۱) دارد و پس از آن متغیرهای اعتماد نهادی (۰/۲۰) حمایت اجتماعی (۰/۱۶) قرار دارد. کمترین میزان تأثیر مربوط به اعتماد بین شخصی (۰/۰۵) است.

جدول ۵. میزان تأثیرات همزمان متغیرهای مستقل بر شادکامی

متغیرها	Beta	T	Sig
شبکه اجتماعی قوی	۰/۲۱۸	۴/۳	۰/۰۰۰
شبکه مشارکت مدنی (عضویت انجمنی)	۰/۱۲۳	۲/۵	۰/۰۱۳
حمایت اجتماعی	۰/۱۶۷	۳/۴	۰/۰۰۱
اعتماد بین شخصی	۰/۰۵۷	۱/۱	۰/۲۶۷
اعتماد نهادی	۰/۲۰۲	۴/۱	۰/۰۰۰
احساس تعلق	۰/۱۶۳	۳/۷	۰/۰۰۰

آنچه در زمینه رابطه دو متغیر اعتماد بین شخصی و شادکامی می‌توان گفت، این است که اگرچه همبستگی دو به دوی متغیر مذکور با شادکامی (۰/۳۹) قابل ملاحظه است، با وجود این همبستگی این متغیر با سایر متغیرهای مستقل نیز نسبتاً بالا است. چنانکه در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، همبستگی دو به دوی اعتماد بین شخصی با شبکه اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی و حمایت اجتماعی به ترتیب معادل ۰/۴۲، ۰/۳۸ و ۰/۴۳ به دست آمده است. وجود این، همبستگی‌ها از یک سو تأثیر اعتماد بین شخصی را بر شادکامی در

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی: شهر کرمان) ۷۱

معادله رگرسیون تعدیل می‌کند و از سوی دیگر با ورود آن به معادله، مقدار زیادی بر R^2 اضافه نمی‌شود.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) و ضریب تعیین به ترتیب معادل $0/616$ و $0/38$ به دست آمده است و نسبت F برابر با 37 است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که 38 درصد از کل واریانس متغیر وابسته (شادمانی) با یک ترکیب خطی از متغیرهای شبکه اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی، حمایت اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق توضیح داده شده است و 62 درصد از تغییرات بدون توضیح باقی مانده است که این میزان به عواملی نسبت داده می‌شود که مدل تحقیق به آن نپرداخته است. نسبت $F=37$ با 6 و 364 درجه آزادی نشان می‌دهد که R^2 به لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار ($0/000$) است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چنانکه اشاره شد، شادکامی مبین حالت ذهنی بوده و دارای ابعاد شناختی (رضایت از زندگی) و عاطفی (هیجان مثبت و نبود هیجانات منفی) است. مطابق با نتایج تحقیق، اگرچه میزان شادکامی در میان پاسخگویان در حد بالایی قرار ندارد، اما میزان آن از حد متوسط بیشتر است.

بررسی همبستگی دو به دو متغیرهای اصلی تحقیق شامل شبکه اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی، حمایت اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق با متغیر وابسته (شادکامی)، حاکی از این است که همه متغیرهای مستقل رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیر شادکامی دارند و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کنند. به عبارت دیگر، بر اساس سطوح سرمایه اجتماعی رابطه کلیه متغیرها در سطح فردی (شبکه اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی و حمایت اجتماعی) و همچنین بر اساس اشکال سرمایه اجتماعی، رابطه کلیه متغیرهای ساختاری (شبکه اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی) و شناختی (اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق) با شادکامی مثبت و معنی‌دار است.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز مبین آن است که بر حسب ارزش ضرایب بتا، شبکه اجتماعی قوی تعیین‌کننده‌ترین عامل تأثیرگذار بر شادمانی محسوب می‌شود. این در حالی است که تأثیر متغیر اعتماد بین شخصی به دلیل همبستگی بالای آن با شبکه اجتماعی

قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی و حمایت اجتماعی، کاهش چشمگیری نشان می‌دهد. در مجموع نتایج بیانگر این واقعیت است که سطح شادکامی با انباشت سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. سطح بالاتر سرمایه اجتماعی که با شبکه‌های اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی، حمایت اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق ایجاد می‌شود، به سطح بالاتری از شادکامی منجر می‌شود.

همچنین نتایج حاکی از این است که اشکال ساختی سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی قوی و شبکه‌های مشارکت مدنی) با سطح حمایت اجتماعی شدیداً همبسته است. در واقع چنین شبکه‌هایی شامل افرادی است که حمایت اجتماعی فراهم می‌کنند. حمایت اجتماعی بیشتر اثرات فشارهای روانی را کاهش می‌دهد و به افراد در غلبه بر مشکلات یاری می‌رساند. از این رو حمایت اجتماعی بیشتر به سطح بالاتر شادمانی می‌انجامد. این وضعیت در مورد اشکال شناختی سرمایه اجتماعی نیز صادق است. شبکه‌های اجتماعی موجب تقویت اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و احساس تعلق (به‌عنوان جنبه شناختی سرمایه اجتماعی) می‌شوند و متغیرهای مذکور نیز به نوبه خود بر شادکامی تأثیر مثبت می‌گذارند.

یافته‌های این تحقیق به‌ویژه در مورد جنبه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی قوی در تبیین متغیر وابسته نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. اما باید در نظر داشت که در جامعه مدرن تأثیر این عامل زمانی اثربخشی بیشتری خواهد داشت که با شبکه‌های مشارکت مدنی، حمایت اجتماعی و... همراه شود. آنچه مسلم به نظر می‌رسد، این است که وجود شبکه‌های اجتماعی قوی به تنهایی نمی‌تواند موجب شادمانی شود. بسیاری از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی بر این نکته اتفاق نظر دارند که محدود شدن روابط افراد به شبکه اجتماعی قوی می‌تواند به منبع فشار تبدیل شود و به تضاد، حسادت و سرخوردگی منجر گردد و در نتیجه تأثیرات منفی بر بهزیستی و شادکامی داشته باشد.

ژان پل سارتر در نمایشنامه «بن‌بست» عبارتی بر ساخته که هزاران بار نقل شده است: جهنم دیگرانند (سوتر، ۱۳۸۴؛ گیدنز، ۱۳۸۳). به راستی موقعیت‌های بسیاری وجود دارد که در آن موقعیت‌ها، روابط ما با دیگران می‌تواند سرکوبگرانه باشد. روابط اجتماعی به‌ویژه هنگامی که با فقر، محرومیت، بیکاری و... همراه می‌شود، می‌تواند به عاملی آسیب رسان مبدل گردد. از این رو برای بالا بردن سطح شادکامی لازم است بین اشکال مختلف

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی: شهر کرمان) ۷۳

سرمایه اجتماعی تعادلی ایجاد شود. به عبارت دیگر برای افزایش شادمانی در سطح فردی و جمعی لازم است همزمان با توسعه شبکه‌های اجتماعی قوی، شبکه‌های مشارکت مدنی و پیوندهای ضعیف گسترش یابد و دسترسی به شبکه‌های حمایتی در سطح جامعه امکان‌پذیر شود. در چنین شرایطی است که احتمال ایجاد انزوای اجتماعی، طرد اجتماعی و اعمال تبعیض کاهش می‌یابد و مهم‌تر آنکه دیگر ادامه حیات افراد وابسته به هم‌نوایی با هنجارهای سرکوبگر شبکه‌های اجتماعی قوی نخواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۶). روان‌شناسی شادی، ترجمه مسعود انارکی، حمید طاهر نشاط‌دوست، حسن پالاهنگ، فاطمه بهرامی، انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان.
- آرونسون، الیوت و دیگران (۱۳۸۴). روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه افسانه شیخ الاسلام زاده، انتشارات ما و شما.
- آبرکرامبی، نیکولاس (۱۳۸۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه جلیلی، تهران: نشر نی.
- امیرکافی، مهدی و سلیمان پاک سرشت (۱۳۸۸). حس اجتماع مجازی: پیشینه نظری و پیشرفت‌های روش شناختی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال پنجم، شماره ۱۷: ۶۹-۹۶.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه پژوهش، فصلنامه اطلاع‌رسانی پژوهشی، ویژه اعتماد اجتماعی، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۰.
- امیرکافی، مهدی و شکوفه فتحی (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به محله مسکونی: مطالعه موردی شهر کرمان، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بروگمن، یرون (۱۳۸۹). درآمدی بر شبکه‌های اجتماعی، ترجمه خلیل میرزایی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: روزنامه سلام.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، تهران: هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود و سیدمحسن موسوی (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر شادکامی در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی. در تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
- سلیگمن، مارتین (۱۳۸۸). خوش بینی آموخته شده، ترجمه و تلخیص رامین کریمی و الهام سادات افراز، تهران: انتشارات بهار سبز.
- سلیگمن، مارتین (۱۳۸۹). از بدبینی به خوش بینی: چگونه ذهن و زندگی خود را متحول سازیم، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: نشر پیکان.
- سووتر، فرناندو (۱۳۸۴). پرسش‌های زندگی، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو.
- شولتز، دوان و سیدنی الین شولتز (۱۳۹۰). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کار، آلان (۱۳۸۷). روان‌شناسی مثبت: علم شادکامی و نیرومندی‌های انسان، ترجمه حسن

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی: شهر کرمان) ۷۵

پاشاشریفی، جعفر نجفی زند با همکاری باقر ثنایی، تهران: انتشارات سخن.
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
نبوی، سیدعبدالحسین، کریم رضادوست و زهرا بهرامی نژاد (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت عمومی سالمندان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۴: ۷۳-۱۰۴.
ولکاک، مایکل و دیپا نارایان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست گذاری. در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
ونهوون، روت (۱۳۸۹). «آزادی و شادکامی: مطالعه‌ای تطبیقی بین چهل و چهار ملت در اوایل دهه ۱۹۹۰»، در فرهنگ و بهزیستی درونی، اد دینر و یونکوک سو، ترجمه فیروزه غضنفری و ژانت هاشمی آذر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ب) منابع لاتین

- Almedom, A stier M. (2005). "Social Capital and Mental Health: An Interdisciplinary Review of Primary Evidence", social science, vol. 61: 943-964 .
- Bjornskov, Christian (2008). "Social Capital and Happiness in the United States", applied research quality life, vol. 3: 43-62 .
- Bonsang, Eric and Arthur van soest (2012). "Satisfaction With Social Contacts of Older Europeans", soc indic res, vol. 105: 273-292 .
- Brulde, Bengt (2007). "Can Successful Mood Enhancement Make us Less Happy ?", philosophica , vol. 79: 39-56 .
- Brunie , Aurelie (2009). "Meaningful Distinctions Within a Concept: Relational, Collective, and Generalized Social Capital", social science Research, vol. 38: 251-265.
- Chang, Wen-chun (2009). "Social Capital and Subjective Happiness in Taiwan", international journal of social economics, vol. 36, No. 8.
- Chou, Yuan K. (2006). "Three Simple Models of Social Capital and Economic Growth", the journal of socio – economics, vol. 35: 889-912.
- Cicognani, Elvira, Claudia Pirini, Corey Keyes, Mohsen Joshanloo, Reza Rostami and Masoud Nosratabadi (2008). "Social Participation, Sense of Community and Social Well being: A study on American, Italian and Iranian University Students", soc indic Re, vol. 89: 97-112.
- Diener, ED and Eunkook Suh (1997). "Measuring Quality of Life: Economic, Social and Subjective Indicators", social indicators Research, vol. 40: 189-216 .
- Dolan, Paul, Tessa Peagood and Mathew white (2008). "Do We Really Know What Makes Us Happy? A review of the economic literature on the factors associated with subjective well-being", Journal of economic Psychology, vol. 29: 94-122 .
- Ferlander, Sara (2007). "The Importance of Different Forms of Social Capital for Health", Acta sociological, vol. 50, No. 2:115-128.

- Galati, Dario , Mayra Manzano and Igor Sotgiu (2006). "The Subjective Components of Happiness and Their Attainment: A Cross – cultural Comparison between Italy and Cuba", social science information vol. 45, No. 4:601-630.
- Glazer, S. (2006). "Social Support Across Cultures", International Journal of Intercultural Relations, 30: 605-622.
- Habibov, Nazim N. and elvin N. Afandi (2011). "Self – rated Health and Social Capital in Transitional Countries: Multilevel analysis of comparative surveys in Armenia, Azerbaijan and Georgia", social science and medicine, vol. 72:1193-1204.
- Haines, Valerie A. , Jeanne s. Hurlbert and John J. Beggs (1996). "Exploring the Determinants of Support Provision: Provider Characteristics, personal Networks, community contexts and support following life events", Journal of Health and social behavior, vol. 37: 252-264.
- Haller, Max and Markus Hadler (2006). "How Social Relations and Structures Can Produce Happiness and Unhappiness: An international comparative analysis", social indicators Research, vol. 75:169-216.
- Hills, Peter and Michael Argyle (2002). "The Oxford Happiness Questionnaire: A Compact Scale for the Measurement of Psychological Well- being", personality and individual differences, vol. 33:1073-1082.
- Kafetsios , Konstantinos (2006). "Social Support and Well- being in Contemporary Greek Society: Examination of Multiple Indicators at Different Levels of Analysis", social indicators research, vol. 76: 127-145 .
- Kashdan, Todd B. (2004). "The Assessment of Subjective Well-being (issues raised by the oxford Happiness questionnaire)", personality and individual differences, vol. 36: 1225-1232.
- Khodyakov, Dmitry (2007). Trust As A Process: A Three Dimensional Approach", sociology, vol. 41, No. 1: 115-132 .
- Lehman, M. A (2009) Darwinian Happiness: Subjective Well-Being as a Signal of Evolutionary Fitness, ProQuest publication
- Leung, Ambrose, Cheryl Kier, Tak Fung and Linda Fung (2010). " Searching for Happiness: the Importance of Social Capital", Journal happiness stud, published online, may, 2010.
- Liebler, A. Carolyn and Gary D. sandefur (2002). "Gender Differences in the Exchange of Social Support With Friends, Neighbors and Coworkers at Midlife", social science research, vol. 31: 364-391 .
- Lindquist, Christin H. (2000). "Social Integration Mental Well- being Among Jail Inmate", sociological vol. 15, No. 3.
- Line, Non (1976). Foundation of Social Research, new York: Mcgraw Hill, inc.
- Mitchell, Andrew David and Thomas J. Bossert (2007). "Measuring Dimensions of Social Capital: Evidence From Surveys in Poor Communities in Nicaragua", social science and medicine, vol. 64: 50-63 .
- Poortinga, Wouter (2006). "Social Capital: An Individual or Collective Resource for Health?"

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی: شهر کرمان) ۷۷

- Social science and medicine, vol. 62: 292-302 .
- Prilleltensky, I., Nelson, G., Peirson, L. (Eds.) (2001). Promoting Family Wellness and Preventing Child Maltreatment, University of Toronto Press.
- Ram, Rati (2009). "Social Capital and Happiness: Additional cross- country evidence", Journal Happiness stud, Published online: 09 June 2009.
- Requena, Felix (2010). Welfare Systems, Support Networks and Subjective Well-being among Ritired Persons, Soc indic Res, Published online: 11 March 2010 .
- Taylor, Robert Joseph, Linda M. chatter, Cheryl Burns Hardison and Anna Riley (2001). "Informal Social Support Networks and Subjective Well- being Among African Americans", Journal of black psychology, vol. 27, No. 4: 4390463 .
- Uphoff, Norman and C. M. Wijayaratna (2000). "Demonstrated Benefits from Social Capital: the Productivity of Farmer Organizations in Gal oya, Sri lanka", world development vol. 28, No. 11: 1875-1890 .
- Yip, Winnie, S. V. Subramanian , Andrew D. Mitchell, Dominic T. S. Lee , Jian Wang and Ichiro Kawachi (2007). "Does Social Capital Enhance Health and Well- being? Evidence from Rural China", social science and Medicine, vol. 64: 35-49.